

چهارشنبه ۳ دی ۱۴۰۴ | ۳۰ اردیبهشت ۱۴۴۷ | سال سی و چهارم | شماره ۹۵۷۲

هلمشده

تاسالم

**غیر از تکلیف صعود، مسابقه امشب
المحرق و استقلال، شاید سرنوشت
ساینتو را هم مشخص کند**

شیشه عمر
سایه تو

روز
پایان؟

۱۴ مرگ و زندگی و یکارادو

دیدار با الحرق غیاز از اینکسه تکلیف صعودی
عدم مصدق استقلال به دور بد به مشخص
می کند، نقش سپار زادی در تعیین مرگ و
نوشته یکارادو ساینپتو در می بر ترفالی تا به حال
یکی، دویاری از خطر اخراج گریخته اما این
مرتب موضوع سیر جدی است و واقعا بعد به نظر
می رسد در صورت حذف ای بی که در نیم فصل
بعدی می ساینپتو را از تیمی که استقلال
بنییم، چوب خط و به معنای حقیقی کلمه
بر شده بر می که ادامه فصل یک سو پر جام
را از دست داد، در ادامه سنگین تر نیز شکست
تاریخ بنامگذا، را به ثبت رساند، در جام حذفی با
آژان کشی به دور بعد رفت و در لیگ هم وضعیتش
صاحبا چنگی به دل نمی زند. پرواض است که
انتاج ساینپتو در لیگ برتر نیز مطلوب نبوده
و تیم و از هزارت فقط صاحب یک برد شده.
بنابراین این صورت نامکامی در برابر الحرق، دلیل
منطقی برای ادامه همکاری با این مربی باقی
نمی ماند، به خصوص که استقلال فصل قبل هم
در پشی است و مدیران غفلت فرصت لازم را
برایش بازیگر در مورد کادرفی، خواهند داشت.

۱۴ پایان رامین؟
حاشیه جدید اردوی استقلال پیش از بازی با المرحوم که مربوط به رامین رضاییان می‌شد. حال‌که هم هیوین ۱۲ هفته پیش خبر رسید این بازیکن با نظر ساینپتو از تمرین کنار گذاشته شده و باشگاه هم با شدد و جدت موضوع را تذکیر کرد، حالا مربی پر تعالی نام رامین و البته فاجعه‌ی اصلی را از فهرست مسافران منامه خط زده، رضاییان تا به حال بارها در تیم‌های مختلف حاشیه‌سازی کرده و به‌نظر می‌رسد در استقلال هم دیگر کسی تحمل این رفتارهای او ندارند. فشار این امر اواخر به‌شدت به جلالی نزدیک شده بود، آهاز یکتگی که هر دو نیمکت‌نشین هستند و از وضعیت کنونی خود بی‌خبرند. تا آنکه استقلال دست پر از بحین بر گردد و ساینپتو سر کارش منامه دروز دهن است زیرا بر ادامه همکاری بارضاییان بروود، دصورت ناکامی دیگری بااامعید نیست ساینپتو بروود، یک مربی ای‌جی‌بی‌اید و مربی پرودت می‌روود، از پانداختن پیازه کردن آن مربی!

سوژه روز

سوژه روز

ویروس بی انگیزی

در آستانه نبردی که حکم مرگ و زندگی برای آنی‌ها در آسپا دارد، لیست مسافران منامه بوی عجبیان می‌دهد. ریکاردو ساپارن مری‌ی که عیسان در گرگ‌هایش می‌جوشند، حالا به سیم‌آر خرد است. او در حالی روی نام‌رآمین رضایسان و ابوالفضل جلالی خط‌فرگ کشید که نیمکش خالی‌تر از هر زمان دیگری است. وقتی لدنونگ، کوشکی و مهران احمدی بدلیل صدمیت و محرومیت‌های پنهان هستند، کنار گذاشتن ۴مهره کلیدی دیگر، نه یک تصمیمی ساده که یک انتحار آگاهانه است. اما چرا؟ پاسخ را باید در خشم فروخورده در جیب‌ش و چو گرد که نظم را مقدس‌تر از نبوغ می‌داند. ساپینتو به این نتیجه رسیده که در این عرصه، دل‌مردگی خطرناک‌تر از کمبود بازی‌کاس است. او از سربازت و پیروسی انگیزی می‌باید بکشد تیش می‌زند. سربازت، به خوبی می‌داند که اگر ستاره‌ای به جای جبقین، با اگر او زمین‌خوار بزند، روحیه جبقین سربازان را هم مسدود خواهد کرد. او نگران است که سایه سنگینی بی‌ثباتی این آزاباکی، مثل گل خوره، جان بقیه نیزم را در خاک بحرن بخورد. این یک فریاد بلند از سوی نیمکت است: «من با ۱۱ سرباز خسته و نام‌افغان می‌بازم، ولی با ۱۱ سرباز بی‌میل می‌جنگم!» ساپینتو ترجیح داد با دست‌های بسته به مصاف المحرق برود. اما اجازه ندهد رختکن استقلال به تسخیر بازی‌کنانی در آید که شاید قلب‌شان دیگر بازی‌کنانی بی‌پیراهن نمی‌تد.

